



بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی کار بجا و بموقعی است؛ هم تجلیل از ابوالفتوح رازی، هم حرکت احیای نام بزرگان ری.

در مورد ابوالفتوح، هم تفسیر اهمیت دارد؛ هم زبان و نثر اهمیت دارد؛ هم موقعیت تاریخی ری اهمیت دارد. وقتی انسان نگاه می‌کند، می‌بیند در همان زمان ابوالفتوح، بزرگانی از قبیل شیخ منتجب الدین - که شاگرد ابوالفتوح رازی است - بودند؛ یا یک خرده بعد، فخر رازی است؛ یا در همان حدودها، شمس قیس رازی ادیب و عروضی است؛ یا عبدالجلیل قزوینی رازی، که به نظرم کاملاً معاصر ابوالفتوح است. همه ی اینها «رازی» بودند. البته «قزوینی» که گفته می‌شود، معنایش این است که اصلش قزوینی است؛ لیکن «رازی» بوده؛ کما این که خود ابوالفتوح هم نیشابوری رازی است؛ یعنی اصلش نیشابوری است، لیکن خودش یا پدرش ساکن ری بوده اند. بنابراین عبدالجلیل قزوینی، عبدالجلیل قزوینی رازی است. یا سیدمرتضی رازی داعی که آن روز صحبتش را با جنابعالی کردیم. اتفاقاً سیدمرتضی هم لقبش علم الهدی است. ایشان برادری دارد به نام سیدمرتضی. سید مرتضی متکلم و مرد بزرگی است؛ او هم در همین زمان بوده است. از لحاظ تاریخی وقتی شما روی ابوالفتوح کار می‌کنید، کأنه دارید تاریخ قرن پنجم یا ششم را احیاء می‌کنید. بنابراین نگاه تاریخی به این قضیه، خیلی مهم است.

یکی دو ساعت پیش چند جلد از نوشته های چاپ شده در حول و حوش تفسیر ابوالفتوح را آوردند و من مروری کردم. یک جا شرح حال ابوالفتوح را باز کردم، اما در خصوص تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری ابوالفتوح از تفاسیر دیگران نکته یی ندیدم؛ شاید جای دیگری ذکر شده باشد. حاجی نوری می‌گوید «مجمع البیان» برگرفته یی از تفسیر «روح الجنان» ابوالفتوح رازی است. اتفاقاً تألیف «مجمع البیان» چهل پنجاه سال بعد از تألیف تفسیر ابوالفتوح رازی است. این خیلی مهم است که ما فکر کنیم مثلاً ترتیب خاصی که در آن جا وجود دارد، برگرفته یی از کتاب تفسیر ابوالفتوح است. البته معروف این است که ایشان از «تبیان» گرفته؛ مطالب، همان مطالب تبیان است؛ منتها تبویب و خلاصه کرده است. «تفسیر کبیر» فخر رازی هم حول و حوش تفسیر ابوالفتوح نوشته شده؛ منتها برای این که نسبت انتقال به او داده نشود، تشکیک های خودش را وارد کرده است. این نکته یی خیلی مهمی است که ما تفسیری داریم که تفاسیر مهمی مثل «مجمع البیان» و «تفسیر کبیر» فخر رازی، یا از آن متخذ است، یا ناظر به آن است.

ما باید قدر این تفسیر را بدانیم. البته این تفسیر به خاطر زبانش امروز متأسفانه خیلی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد؛ چون نثر قرن پنجم و ششم است. اگرچه نثر خیلی استوار و قوی و پاکیزه یی است و هیچ اعوجاج و تعقیدی ندارد، لیکن بالاخره نثر قدیمی است و از نظر کسانی که به جهات ادبی نگاه می‌کنند، اهمیت دارد؛ از لحاظ تفسیری هم که خصوصیات خودش را دارد. بنابراین تجلیل از ابوالفتوح، تجلیل مهمی است.

ان شاء الله وقتی شما به بزرگان ری می‌پردازید، به این نکته هم نظر داشته باشید که در این میانه، تاریخ ری را بیرون بیاورید؛ یعنی ری آن زمان در چه وضعی بوده و چه بزرگانی داشته. مثلاً این ابوالفتوح رازی است که تفسیر می‌نویسد؛ آن عبدالجلیل رازی قزوینی است که کلام می‌نویسد و کتاب «النقض» را تألیف می‌کند؛ یا سیدمرتضی رازی که او هم متکلم بوده؛ یا شمس قیس رازی که بهترین کتاب در عروض و قافیه را نوشته و تا الان هم ما کتابی به جامعیت و اتقان و مفصلی «المعجم فی معاییر اشعار العجم» نداریم. اینها نشان دهنده یی موقعیت ری و اهمیت ری و تاریخ فرهنگی ری است.



مجلس شورای اسلامی ایران

ابوالفتوح فقط مفسر و ادیب نبوده ؛ فقیه هم بوده. از تعبیراتی که درباره ی او ذکر شده - که الان یادم نیست از چه کسی است - یکی «الامام الفقیه» است. ایشان شاگرد پسر شیخ طوسی بوده - یعنی ابوعلی مفید ثانی - و کسی بوده که سلسله ی سندش به شیخ طوسی، به یک واسطه است ؛ یعنی ایشان از مفید ثانی نقل می کند، و مفید ثانی از پدرش - شیخ طوسی - نقل می کند.

به هر حال کار باارزشی است. کتابهایی هم که فرمودید، ان شاءالله می آید و می بینیم. سه چهار جلدی که امروز آوردند و من آنها را تورق کردم، خیلی خوب و پاکیزه به نظرم آمد ؛ ابعاد مختلف تفسیر را مورد توجه قرار داده بودند ؛ از لحاظ حدیث شناسی، از لحاظ زبان، از لحاظ نکات تفسیری. خداوند به شما توفیق دهد و کمک کند که این کار خوب و مفید را ان شاءالله ادامه دهید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته